

جهاني شدن رسانه و تحقق امت واحده اسلامي

جهاني شدن رسانه و تحقق امت واحده اسلامي

(نگاهي به فرصت ها و تهديدهاي پيش رو جهان اسلام در فرايند جهاني شدن رسانه ها)

جميل ميلاني[1]

علي اميني[2]

چکیده

جهاني شدن واقعيت دنياي امروز ماست. فرايندي که تغييرات مهمي به دنبال داشته است. توسعه روزافزون رسانه هاي مختلف اعم از ماهواره ها و شبکه هاي ديگيتال و دنياي مجازي در دنياي ارتباطات را دگرگون ساخته است. طبيعي است که اين فرايند فرصت ها و تهديدهايي را به دنبال دارد. از طرفي دين اسلام به عنوان ديني جهانشمول همواره در پي گسترش خود و دعوت ديگران به حقانيت بوده است.

پژوهش پيش رو ضمن برشمردن وضعيت «جهاني شدن» و در راس آن گسترش عصر ارتباطات، تلاش دارد تا وضعيت جهان اسلام را در اين فرايند مورد مذاقه و بررسي قرار دهد و راهکارهايي را براي استفاده هر چه

بهرتر از این وضعیت در راستای همگرایی جهان اسلام و تبیین مواضع اسلامی ارائه دهد. بالا بردن سواد رسانه ای، تلاش برای همگرایی رسانه ای در جهان اسلام و تبیین مواضع اسلام واقعی و پاسخ به شبهات از جمله اقداماتی است که می تواند در جهانی شدن رسانه در دستور کار قرار گیرد. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی به انجام رسیده است.

کلمات کلیدی: جهانی شدن، جهان اسلام، رسانه، امت واحده، رسانه های اسلامی

مقدمه

امروزه در عصری به سر می بریم که با عناوین و اسم های مختلفی همچون عصر ارتباطات، عصر تکنولوژی، عصر پست مدرن و ... نامگذاری شده است. این دنیای جدید متفاوت از قبل است و در این عرصه متحول شده هر روز با امکانات جدیدی روبه رو هستیم که بیش از پیش زندگی بشر را تحت تاثیر قرار می دهند. آن چیزی که ما به عنوان جهانی شدن «Globalization» می نامیم، یکی از قدرتمندترین رخدادهایی است که در تاریخ بشریت رخ داده است. جهانی شدن در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مبحثی است که در حال حاضر توجه بسیاری از اندیشمندان و علاقه‌مندان در حوزه های مختلف معرفت بشری را به خود جلب کرده است. این فرایندگريزناپذیر موجب دگرگونی های بسیاری در مرزهای جغرافیایی و هویتی شده است. همچنین جهانی شدن موجب تغییرات بسیار گسترده ای در سطح جهانی شده و این تغییرات وسیع در سطوح و ابعاد مختلف رخ داده است. جهانی شدن علاوه بر سه حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ، بر حوزه دین و باورهای مذهبی نیز در جوامع گوناگون تأثیرگذار بوده است. جوامع مختلف هر یک از نظام ارزشی برآمده از سنت ها و اعتقادات دینی خاصی برخوردارند و در مواجهه با جهانی شدن، این ارزش ها دچار چالش می شوند، به عبارت دیگر جهانی شدن با ایجاد دگرگونی در جوامع نوعی بحران هویت را با خود به همراه می آورد. بسیاری از نظریه پردازان نوین بر این باورند که در فرآیند جهانی شدن یکی از مهم ترین جلوه ها نقش رسانه های جدید اعم از شبکه های ماهواره ای و رایانه ای اهتمام آنها به رشد تك فرهنگي جهانی است. تغییرات و تحولات بی سابقه ای که همزمان با سپری شدن دهه آخر قرن بیستم به وقوع پیوسته، رسانه ها را از امکانات و فرصت های بزرگ و مسائل بزرگ تر برخوردار کرده است. این فرصت ها از نیاز جهانی به کسب اطلاعات ناشی شده است.

جهان‌نیشدن

پیرامون جهان‌نشدن، از مناظر گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و یا ترکیبی از اینها بحث شده است. برخی مفهوم جهان‌نشدن را به مجموعه فرایندهای پیچیده‌ای اطلاق کرده‌اند که به موجب آن، دولت‌های ملی به نحو فزاینده‌ای به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌شوند و همین ارتباط و وابستگی است که برای مفهوم حاکمیت ملی و دولت ملی مشکلاتی ایجاد می‌کند (نش، 1380: 10). جاندسکات، جهانی شدن را -فرایندی میداند که در حال ساختن فضای جدید اجتماعی است (Chaucil: 4272000). دیوید هلد جهانی شدن را حرکتی به سمت تنوع و کراسیجها نشهری (cosmopolitionDemocrocy) تعریف میکند که در عین حال کثرت فرهنگی و اقتصادی را نیز در خود خواهد داشت (Held: 1999, 12). کاربرد اصطلاح جهانی شدن به دو کتاب بر می‌گردد که در سال 1970 میلادی منتشر شدند. کتاب اول، «دهکده جهانی» village Global تالیف مارشال ماک لوهان است که بر نقش تحولات وسایل ارتباط و تبدیل شدن جهان به دهکده واحد جهانی متمرکز است. کتاب دوم نوشته زیگنو برژینسکی، رئیس شورای امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری کارتر است، مطالب آن درباره نقشی است که ایالات متحده برای رهبری جهان و ارائه نمونه جامع نوینسم باید به عهده بگیرد (عبدالحمید، 1379، 152).

مالکوم واترز، جهان‌نشدن را فرایندی اجتماعی می‌داند که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده، از کاهش این قیدها و بندها آگاه می‌شوند. رابرتسون جهان‌نشدن را فشرده شدن جهان و تشدید آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل می‌داند. دیوید هلد نیز جهان‌نشدن را حرکتی به سوی نوعی مردم سالاری جهان شمول می‌داند که در عین حال، کثرت فرهنگی و اقتصادی نیز در بر خواهد داشت. افرادی چون فریدمن نیز آن را ادغام سرسختانه بازارها، دولت‌های ملی و فناوری‌ها به درجه‌ای که پیش از این هرگز دیده نشده، می‌دانند و بر این باورند که جهان‌نشدن یعنی گسترش سرمایه‌داری بازار آزاد به بیشتر کشورها (نیاکوئی، 1386: 2-3).

آنچه مشخص است، این است که جهان‌نشدن می‌توان ناظر به تحولات جدیدی دانست که در حوزه‌های گوناگون زندگی بشر (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست محیطی و سایر موارد) روی داده است. این اصطلاح به فرایندهایی اطلاق می‌شود که جهان را فشرده ساخته و به شکل گرفتن فضای جهانی واحد کمک می‌کند. بخشی از این فرایندها اجتماعی است که در طی آن قید و بندهای جغرافیایی، که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و انسانها به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه میشوند. بخشی دیگر از این فرایندها نیز به گسترش دامنه فعالیت و نفوذ سازمان‌های فراملی سیاسی و اقتصادی مربوط می‌شود که حوزه اقتدار دولت‌ها را تضعیف می‌کند (درستی، 1380: 122). برخی جهان‌نشدن را یک پروژه (جهان‌نسازی)، برخی دیگر آن را یک روند می‌دانند. بنا به دیدگاه

نخست، جهان‌نشدن، امری ارادی و متأثر از سیاست‌های اقتصادی کشورهای غربی است، در حالی که در دیدگاه دوم، این امر پدیده‌ای غیر طراحی شده و نتیجه انقلاب اطلاعاتی است (حقیقت، 1382: 452). بنابراین، درباره ماهیت جهان‌نشدن، دو نگرش بدبینانه و خوش‌بینانه وجود دارد؛ در نگرش بدبینانه، جهان‌نشدن معادل با جهان‌نی‌سازی است که در صدد همگن‌سازی جهانی از رهگذر تسلط فرهنگ و اقتصاد غرب به ویژه آمریکا بر سایر ملل است و در نگرش خوش‌بینانه، جهان‌نشدن، فراگردی غیرارادی و در حال وقوع است که ناظر بر گسترش مراودات اجتماعی، امپراتوری جامعه مدنی، بالا بردن همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و گفتوگوی تمدن‌هاست (دهشیری، 1380: 5-18). گروه اول بر تاثیر و کنترل فرهنگ آمریکایی بر رسانه های عمومی، در فرایند جهانی شدن، اشاره دارند (Ardalan: 2009, 518). در حالی که گروه دوم آن را روندی طبیعی قلمداد می کنند.

با توجه به تعاریف گفته شده اصول و ویژگی‌های جهان‌نشدن عبارتند از:

- 1- جهانی شدن فرآیندی تك بعدی نیست؛ بلکه این پدیده فرآیندی منسجم و یکپارچه است که در تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های اجتماعی رسوخ کرده است.
- 2- ارتباطات متقابل؛ جهان‌نشدن موجب وابستگی شدید در حوزه ارتباطات و افزایش پیوندها و تعاملات اجتماعی در دل شبکه‌های جهانی می‌گردد که حاصل این فرایند كوچك شدن جهان و تحقق نظر «دهکده جهانی» است (عبدالحمید علی، 1379: 154).
- 3- جهان‌نشدن پدیده‌ای چالش‌گراست به گونه‌ای که ابعاد آن قلمرو بسیاری از مفاهیم کلاسیک همچون نظم، امنیت، دولت، حاکمیت ملی، هویت، اقتدار ملی، فرهنگ و سایر ابعاد را در نورددیده و زمینه را برای تفسیر و باز تعریف آنها فراهم کرده است. گفته می‌شود که هسته اصلی مفهوم جهان‌نشدن در این معنا خلاصه می‌شود که دیگر، واحد دولت ملی چارچوب کارآمد و مناسبی برای تبیین بسیاری از پدیده‌ها و رویدادهای فعلی نیست.
- 4- جهان‌نشدن يك فرآیند و پروسه است نه يك وضعیت غائی، ما در جهان‌نشدن با فرآیند «شدن» سرو کار داریم، فرآیندی که به كمك عواملی همچون نظام ارتباط جهانی، سازمان‌های بین‌المللی و دیگر موارد مرزهای ملی را نادیده گرفته و بسیاری از پدیده‌ها را دستخوش تحول و تبدیل و تأثیرپذیری کرده است، بطوری که گفته می‌شود جهان‌نشدن روندی اجتناب‌ناپذیر است (کاظمی، 1380: 14).

یکی از پیامدهای جهان‌نشدن، همگرایی در عرصه جهانی و مواجه شدن همه ملت‌ها با ریسک‌های مشترک و تقدیر مشترک است. شتاب و تراکم ارتباطات و تسهیل انواع مبادلات این امکان را به وجود آورده است که پیامدهای بسیاری از اقدامات خود را به خارج از مرزها منتقل کنیم (هابرماس، 1380: 87). از نظر برگر، برای برخی جهان‌نشدن، نوید جامعه مدنی بین‌المللی را می‌دهد که شامل دمکراتیزه شدن و صلح جهانی است. برای گروهی نیز جهان‌نشدن، مفهومی به جز روبه رو شدن با تهدید برتری طلبی سیاسی و اقتصادی آمریکایی همراه با پیامدهای فرهنگی آن به همراه نمی‌آورد. در واقع، تهدیدات این جهانی و نویدهای آن جهانی، تهدیدی بیش نیستند و این ادعاها بازتابی از تصویر پیچیده جهان‌نشدناست که از تصورات ما شکل گرفته است (برگر و هانتینگتون، 1384: 7-28). جهان‌نشدن، پدیده‌های چند بعدی است؛ از این رو اقتصاد، سیاست، فرهنگ و امور بسیاری را در بر می‌گیرد و با تحقق آن، مرزهای ملی از بین رفته و یا کم رنگ می‌شود؛ کشورها نقش گذشته خود را از دست می‌دهند، و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی بر کشورها حاکم می‌گردد (رجایی، 1380: 40). به طور کلی، در فرآیند جهان‌نشدن، ویژگی‌های اصلی دولت ملی همانند اهمیت و نقش مرزها، رو به زوال است. در سطح فرهنگ باید از ظهور جامعه مدنی جهانی سخن گفت. جنبش‌های فرهنگی و اجتماعی بین‌المللی جزئی از این جامعه‌ها و به مسائل و موضوعاتی چون رعایت حقوق بشر و آزادی‌های مدنی از جانب دولتهای ملی نظر دارند که از حدود توانایی و دید دولتهای ملی بسی فراتر می‌روند (نش، 1380: 10-13). جهان‌نشدن فرایندی اجتماعی است که در آن، قید و بندهای جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی که بر روابط انسانی سایه افکنده، از بین می‌رود. البته هر چند جهان‌نشدن یک روند سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است، اما بیش از همه، روندی اقتصادی است (تاملیسون، 1381: 28). مانوئل کاستلز با اشاره به عصر اطلاعات، جهانی شدن را ظهور نوعی جامعه شبکه ای می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه داری، پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را در بر می‌گیرد (Kastelz: 1990، 490) و همانطور که مانوئل کاستلز اشاره دارد؛ آنچه محرز است جهانی شدن با توسعه جهانی بازارهای اقتصادی همراه بوده است (Giddens: 1990) اما بیش از همه توسعه بازارهای اقتصادی نتیجه فعالیت گسترده شرکت‌های چند ملیتی بوده که نقش محوری را در فرآیند جهانی شدن ایفا نمود (sklair: 1994). اگر رسانه‌های بین‌المللی را کارگزاران اصلی جهانی شدن بدانیم، چندان اغراق نکرده ایم.

جهانی شدن رسانه

«رسانه، خود یک پیام است» جمله‌ای است که سی و اندی سال پیش مک لوهان پیرامون نقش و اهمیت بسیار بالای رسانه‌ها در جامعه بین‌المللی بیان نمود. وی در مورد رسانه‌ها می‌گوید: ما امروز موفق شدیم تا دامنه سیستم اعصاب مرکزی خود را، به یک بستر جهانی نیز گسترش دهیم؛ سیستمی که مفاهیم اصلی سیاره ما را – یعنی زمان و مکان – از پیش پای خود برمی‌دارد. بر این اساس امروز، دیگر کره زمین

امروزه نقش رسانه ها و ميزان نفوذ آنها در ساخت فرهنگي جوامع بر كسي پوشيده نيست. برخي از نظريه پردازان ارتباطات معتقدند امروز جهان در دست كسي است كه رسانه ها را در اختيار دارد. نقش عمده رسانه ها در شكل دهی به افكار عمومي باعث شده اهميت رسانه ها تا اين حد مورد توجه قرار گیرد. در نظر صاحب نظران غربي، در اختيار داشتن وسايل ارتباط جمعي و فناوري هاي جديد ارتباطي، مساوي با در اختيار داشتن استيلاي فرهنگي است. به باور برخي از جمله «ادگار موران» جامعه شناس فرانسوي استعمار در دو شكل مستقيم و غيرمستقيم يا استعمار نو، ظهور يافته و پس از تبديل استعمار مستقيم به استعمار غيرمستقيم، وادي فرهنگ به عنوان ابزار اين استعمار به خدمت گرفته شده و از اين پس هر فردي كه روي زمين متولد مي شود، فكر و اندیشه او تخدير مي شود. از اين رو استعمار، دائمي و هميشگي شده و به محدوده هاي صرفاً جغرافيايي نيز ختم نمي شود. تا جايي كه ضرب و زور نظامي نيز در آن جايي ندارد. مهم ترين ابزار اين تخدير فرهنگي نيز رسانه است. اهميت رسانه هاي گروهی تا حدی است كه دانشمندان در تقسيم بندی مراحل تاريخی تمدن بشر، آن را لحاظ کرده اند. آلوین تافلر تمدن بشری را به سه مرحله تقسيم می کند كه شامل مرحله كشاورزی، مرحله صنعتی و مرحله فراصنعتی يا عصر ارتباطات و اطلاعات است. در عصر فراصنعتی، قدرت در دست كسانی است كه شبكه های ارتباطی و اطلاعاتی را در اختيار خود دارند (تافلر، 1377: 57).

از طريق ماهواره، اينترنت و... جهان جديدي به موازات جهان واقعي به وجود مي آيد كه داراي دو ويژگي اصلي است: فرهنگ واقعي مجازي: رسانه ها رسانه هاي الكترونيكي مخاطبان وسيع و متكثري دارند كه مجموعه هايي از حيث محتواي نمادين به اين افراد عرضه مي كنند. در چنين شرايطي فضاي مجازي شكل مي گيرد و فرهنگ ها همه از طريق واسطه هاي الكترونيكي منتقل مي شود و زمان بي زمان و فضاي جريان ها: مفاهيم زمان و مكان معاني تازه يي پيدا مي كند. فواصل زماني و مكاني عملاً از ميان برداشته مي شود و انتقال اين اطلاعات و داده ها و سرمايه ها و امكان ارتباط همزمان ميان افراد در نقاط مختلف به وجود مي آيد. رسانه هاي گروهی دو نقش اساسي در تغيير فرهنگي جامعه هاي امروزي بر عهده دارند، از يك سو فرهنگ توده را نشر مي دهند و از سوي ديگر منبع تغذيه نخبگان جامعه با هدف نوآوري و ابداع هستند، به عبارت ديگر رسانه هاي گروهی حلقه اتصال محيط بزرگ يا جامعه كل با محيط كوچك است. در باب اهميت و تاثير رسانه ها در فرهنگ «ژوديت لازار» معتقد است: رسانه ها در فرهنگ جامعه نقش غالب را بازي مي كنند و اين بازي را نه فقط با بازتاب دادن فرهنگ بلكه با شركت در فرهنگسازي نيز به اجرا مي گذارند (پورناجي، 1387: 8).

بدون شك انواع رسانه هاي ارتباطاتي، همچون تلويزيون، كامپيوتر، ماهواره، اينترنت و نيز مطبوعات، در ايجاد يك فرهنگ جهاني مشتمل بر يك رشته هنجارها، آداب و عادات مشترك سهم بسزايي داشته اند. بدین ترتیب رسانه ها را باید منادی فرهنگ جهانی بدانیم. آنان با اتخاذ مشی "نسبیت گرایی فرهنگی" ارزشها، نهادهای سنتی و مذهبی و نیز ثبات سیاسی بسیاری از جوامع من جمله کشورهای جهان سوم را سخت تحت تأثیر خود قرار داده اند.

رسانه هاي بين المللي به تنهائي در ترويج يك فرهنگ جهاني نقش ندارند. در حقيقت، اگر قدرتهاي ملي در مواجهه با اين پديده، سياستهاي منفعلانه باز در پيش گيرند، زمينه را براي نفوذ هر چه بيشتر رسانه ها و تضعيف مباني فرهنگي جامعه فراهم خواهند ساخت.

بعضي از انواع رسانه ها در جهت بيداري ملتها، در جهت مقابله با اين فرآيند و تأکيد بر فرهنگهاي متمایزگام برمي دارند. اين گونه رسانه ها با يکسويه دانستن نظم در حال شکل گيري، فرآيند جهاني شدن را حرکتی برای اضمحلال فرهنگ های بومی و ايجاد يك رشته ارزشها هنجارهاي جهاني برخاسته از فرهنگ غربي مي دانند. اين مسئله را مي توان تا حدي در مورد کشورهای جهان سوم صادق دانست؛ از آن جا که اين کشورها از طريق ادغام با نظام اقتصاد جهاني در مسير توسعه يافتگي قرار گرفته اند، ممکن است تنشها و تعارضهاي در جامعه رخ دهد که برخاسته از نیروهای تحریک برانگیز رسانه ای باشد.

رسانه ها با عرضه مفاهيمي که همه رسانه اي شده است مي توانند نقش عمده اي را در مفهوم سازي، تصميم سازي و تأثيرگذاري بر حيات سياسي و اجتماعي کشورها ايفا کند و علاوه بر انتقال پيام، به الگوسازي و فرهنگ سازي نيز مبادرت ورزند در اين صورت رسانه ها مي توانند به صلح آميز شدن سياست خارجي کشور کمک کنند؛ بدین معنا که با تقويت ارزشهاي مردم سالار و ساز و کارهاي همکاري جويانه و تاکيد بر اصولي از قبيل احترام متقابل، برابري حاکمیت ها، پرهيز از کاربرد زور، ترويج گفتگو و ارتباط بين ملتها، تبادل افکار، تحمل و مداراي ملتها با يکديگر، مخالفت با قدرت طلبي و اقتدارخواهي، ترويج چندصدائي و چند فرهنگي در عرصه بين المللي، توسعه سياسي، قانونگرايي، حکومت قانون، مسئوليت شهروندي و عقلانيت گرايي در جهت پديداري فرهنگ مشترك جهاني با ارزشهاي ديمقراطي، آزادي و حقوق بشر عمل کنند و با آموزش صلح جهاني و ترويج ضرورت برقراري صلح بين المللي و ائتلاف براي صلح جهاني، به تقويت صلح ديمقراطيک جهاني و گسترش تفاهم بين المللي ياري رسانند(جام جم آنلاين، 1381).

رویکرد به مفهوم جهان‌نشدن، چه در تئوری و چه در عمل، پیشینه‌های به قدمت بشر دارد؛ زیرا گرایش به جهان‌نشدن، نخست در ادیان الهی بروز کرد، به گونه‌ای که ادیان بزرگ الهی، چون یهودیت، مسیحیت و اسلام، سودای جهان‌سازی داشته‌اند، و هر یک از آنها، درصددند امت یگانه و حکومت واحد جهانی پدید آورند؛ البته در این میان، اسلام برترین و کاملترین شکل جهان‌سازی دینی را مطرح کرده است: «ان الارض یرثها عبادي الصالحون» (105/ انبیاء). مخاطبان در جهان‌سازی اسلامی، نه عرب، نه عجم، نه مکی، نه مدنی و نه حتی مسلمانان، بلکه تمام مردمانند، و معنویت (خدا) و عقلانیت (انسان) دو عنصر اساسی آن است. اسلام به عنوان نظامی دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از آغاز پیدایش خود و بنا به تعالیم -و آموزه‌های قرآن و پیامبر اسلام خود را آیین و دینی جهانی و برای همه اعمار و برخوردار از جهت‌گیری‌های جهانی دانسته است. با کنکاشی در آیات قرآن کریم، میتوان نمونه‌هایی را مشاهده کرد که بر جهانی بودن تعالیم اسلام تأکید داشته و با بهره‌گیری از آنها خصیصه جهانی بودن این آیین، در فلسفه سیاسی آن نهادینه شده است.

جهانی بودن دین اسلام را میتوان هم از طریق مطالعه محتوای آموزه‌ها و متن پیام‌های آسمانی این دین و تصریحاتی که در منابع اصیل اسلامی نسبت به جهانی بودن این دین، و جهانی بودن نبوت و خاتمیت رسالت پیامبر شده است، مورد توجه قرار داد، و هم با توجه به مبانی عقلانی و علمی و هماهنگی این دین با فطرت نوع بشر اثبات کرد. در کنار ادیان الهی، تمدنها، کشورها، و مکتب‌هایی نیز بوده‌اند که -بر اساس اندیشه‌های جاهطلبانه، سودجویانه و توسعه‌خواهانه، میل به جهان‌گرایی داشته، و حتی کوشیده‌اند، در قالب جهان‌نگشایی به آن جامه عمل بپوشانند. بابلیان و رومیان از همین تمدنها و کشورها هستند که در پی نیل به حکومت بر جهان و واداشتن همگان به پیروی از ارزش‌های خود بوده‌اند (عبدالحمید، 1380: 9). برخی از اندیشمندان اسلامی، همچون محمد قطب معتقدند: «جهانی شدن نه تنها موجب تضعیف و طرد دین خواهد بود، بلکه موجب تقویت و انتشار دین و بیداری اسلامی در تمام نقاط زمین خواهد بود.» (سید قطب، 1382: 12). جهان‌نشدن و تشکیل حکومت جهانی از دیرباز به عنوان یکی از آرمان‌های بشریت مطرح بوده است. انسانها همواره خواهان آن بوده‌اند که در پرتو اصول مشترک و متعالی به جنگها و درگیریها خاتمه داده و زندگی مسالمت‌آمیزی را محقق سازند. پیامبران الهی نیز تحقق چنین آرزویی را در آینده تاریخ بشریت بشارت داده‌اند که وجود تفکر ظهور يك منجي جهانی در میان ادیان و مذاهب مختلف خود دلیلی بر این ادعا می‌باشد (خلیلیان، 1362: 112). در این میان فرهنگ اسلامی توجهی ویژه به بعد جهانی فرهنگ دارد، اسلام تنها فرهنگی است که برای همه شئون حیات بشر، راهبردها و راه‌حل‌های اساسی برای حل معضلات جهانی دارد (خسروشاهی، 1351: 67). همانطور که بوزار اشاره دارد: «ایدئولوژی اسلام قادر است نظام تازه‌ای در روابط بین‌المللها بر اساس انسان‌گرایی و معنویت ایجاد کند» (بوزار، 1361: 125)

جهان‌نشدن مشتمل بر امواجی است که به نظر می‌رسد نظم برآمده از عصر جدید را دستخوش تغییر و دگرگونی نموده است. اندیشمندان و نظریه‌پردازان معاصر معتقدند که تفکر جهان‌نشدن از اندیشه‌های کلیدی ورود انسان معاصر به هزاره سوم میلادی است (کیلی و مارفیت، 1380: 123). با توسعه و گسترش وسایل ارتباطی از قبیل اینترنت و ماهواره ما شاهد یک نوع تنیدگی جهانی و ارتباط تنگاتنگ جوامع بشری هستیم بویژه در عرضه فرهنگ سیاست و اقتصاد. فرآیند جهان‌نشدن از یکسو موجب افزایش معرفت بشری و تحکیم روابط بین‌المللی شده و یک رفاه و توسعه نسبی را برای جهانیان به ارمغان خواهد آورد ولی از دیگر سو سبب بروز چالش‌هایی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شده و می‌شود، بطوری که طرفداران دیدگاه رهیافت واگرایی معتقدند که حرکت اصلی فرآیند جهان‌نشدن به سمت افزایش نابرابری و عدم تعادل بین ملتها شده است (کیانی، 1380: 29). یکی از مهم‌ترین تأثیرات جهانی شدن، تأثیر بر وضعیت فرهنگ‌ها و ادیان است. از این‌رو، جهانی شدن برای جوامع اسلامی در کنار فرصتهایی که ایجاد میکند، به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم و چالش‌برانگیز به شمار می‌رود.

اسلام و جهانی شدن؛ تهدیدها و فرصت‌ها

ایدئولوژی اسلام این شایستگی و توانایی را دارد که بر روی ویرانه‌های جوامع از هم‌پاشیده، جامعه‌ای نو، بنیاد نهد. اسلام قادر است در قلوب پیروان خود آنچنان هیجانی برپا کند که قاطعانه با موانع و مشکلات، به نیروی ایمان و اتحاد، پیکار جویند. نقش ایمان تنها به خودسازی فرد مسلمان خاتمه نمی‌یابد و از نظرگاه اجتماعی، در جهان امروز، می‌توان دیانت اسلام را در هیأت ایدئولوژی فراگیر با دو ویژگی تساهل و بلندپروازی به جهانیان معرفی کرد. ایدئولوژی اسلام قادر است نظام تازه‌ای در روابط بین ملتها بر اساس انسان‌گرایی و معنویت ایجاد کند (بوازار، 1361: 125). از لحاظ جهانی، مسلمانان نیاز به پیگیری یک رویکرد ارتباطی متحد خارجی در قبال جهانی شدن به منظور تقویت موقعیت خارجیشان در ساختار جهانی دارند. روابط خارجی دولتها این امکان را میدهد که برای حضور در بازارهای جهانی و تأثیرگذاری بر نهادهای بین‌المللی تلاش کنند. هیچ کشور مسلمانی به تنهایی در یک موقعیت قوی قرار ندارد که چنین قدرتی داشته باشد. پس بنابراین، مسلمانان باید با تلاش دسته جمعی روابطشان را با کشورهای دیگر گسترش داده و از منافعی دفاع کنند. مسلمانان باید تلاش کنند تا انتقال دانش جهانی را به جوامعشان با تعمیم امکانات استاندارد برای برخورداری از دانش جوامع بین‌المللی، تسهیل کنند. تحت این شرایط، تکنولوژی اطلاعاتی مسلمانان، نه تنها توسعه پایدار در جهان اسلام ایجاد میکند بلکه همچنین ابزاری برای استفاده مشترک در تبادل دانش با بقیه جهان فراهم می‌آورد (لطفی و محمدزاده، 1389).

افزایش تعداد کاربران اینترنتی در جهان اسلام، از یک جهت تهدید محسوب میشود چرا که در حال حاضر، هزاران سایت مغایر با ارزشها و تعالیم اسلامی در فضای سایبر در حال فعالیت هستند و روزانه میلیونها کاربر از سراسر جهان و همچنین در جوامع اسلامی به آنها مراجعه میکنند. این جریان میتواند پدیدآورنده چالشهایی برای جهان اسلام باشد. در برخورد با این مسئله، کشورهای اسلامی اغلب در پی ارائه و اعمال راهکارهایی برای مقابله با این چالشها خواهند بود. اعمال سیاست فیلترینگ و فعالسازی هکرها در فضای سایبر در همین راستا می باشد. از سوی دیگر باید توجه داشت که فضای سایبر برای جهان اسلام میتواند کارکردی دوگانه داشته باشد. یعنی همچنان که تهدیدی جدی در راستای کمرنگ کردن ارزشهای اسلامی به حساب میآید؛ در عین حال میتواند فرصتی در اختیار این جوامع قرار دهد تا از طریق آن بتواند مروج ارزشها، آموزه ها و تعالیم این دین آسمانی باشد و در جهت تبلیغ و گسترش آن در سایر جوامع جهان بکوشد.

به طور کلی چالشهایی که اسلام در فرایند جهانی شدن با آنها روبه روست عبارتند از:

1- چالشهای هویتی: چالشهای هویتی بدین شکل ایجاد میشوند که با نفوذ بیشتر ارزشهای لیبرال دموکراسی غرب در جوامع اسلامی و شکلگیری تعارضات هویتی در نتیجه آن، از خود بیگانگی در میان شهروندان تقویت شده و با کمرنگ کردن ارزشهای اسلامی، ارزشهای مورد تاکید غرب به مرور جایگزین فرهنگ اسلامی میشود. در این راستا شاخص حفظ و احیای هویت دینی و مبارزه با تهاجم فرهنگی بیگانه مورد تهدید واقع شده است.

2- رشد و تقویت قومگرایی و تاکید بر هویتهای ملی به جای هویت اسلامی و خلق و گسترش ستیز در درون جوامع اسلامی: با آغاز روند جهانی شدن، خاص گراییهایی فرهنگی تقویت شده و حرکتهای قومی و احساسات ملی و ناسیونالیستی افزایش یافت. اسلام محور اتحاد را پایبندی به ارزشهای اسلامی و تأسی به آنها و اعتصوموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا" میدانند. اما تبلیغات منفی علیه اسلام روند وحدت جهان اسلام در آینده را با مشکل مواجه خواهد کرد که در این میان شاخص وحدت کلمه امت اسلامی دچار چالش است.

3- ارائه تصویر نامطلوب از اسلام در میان جوامع جهان: تبلیغات ضد دینی با بهره گیری از ابزار تکنولوژی در قالب استفاده از ابزار رسانه های صوتی و تصویری و فضای سایبر، تنها محدود به درون جوامع اسلامی نبوده بلکه این حرکت، به ارائه تصویری نامطلوب از اسلام و مسلمانان در سایر جوامع - نیز انجامیده است. مسائلی از قبیل ترور، عدم رعایت حقوق بشر و حقوق زنان، تهدید، خشونت، عقب ماندگی، بربریسیم و ابتر بودن، نمونه هایی از تفسیر وحشت آفرین و تخریبی علیه مسلمانان در رسانهها،

فیلمهای غربی و فضای سایبراست (افروغ و دیگران، 1388: 459). اندیشه‌های لیبرال دموکراسی غرب شاخصهایی از قبیل ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جهان اسلام را با تصویری نامطلوب و در راستای -اشاعه ترور و دامن زدن به اقدامات تروریستی و خشونت‌طلبانه برای شهروندان مختلف جهان ارائه می‌دهد. عدم رعایت حقوق زنان در جوامع اسلامی نیز موضوعی بوده که شاخص تأکید بر جایگاه زنان در جامعه اسلامی را بارها زیر سوال برده است.

4- ترویج مباحث و موضوعات غیر اخلاقی در میان جوانان در جهان اسلام و اجرای پروژه دین زدایی در این چارچوب: امروزه هزاران سایت در سطح گستردهای ترویج دهنده انواع هرزهنگاری‌ها، تصاویر و فیلمهای مستهجن هستند که دسترسی به آنها به راحتی امکانپذیر است. نتایج یک کار پژوهشی نشان میدهد که برای نمونه کاربران ایرانی در فضای سایبر، عمدتاً جوان، کم تجربه، مذکر و مجرد هستند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، در چند سال اخیر همواره "کلمات پورنو" در لیست مهمترین کلمات جستجو شده کاربران ایرانی بوده ترویج این موضوعات در فضای سایبر در چارچوب اجرای پروژه دین زدایی است (احمدی پور و دیگران: 1389، 13). که شاخص‌هایی از قبیل التزام علمی به دین اسلام، حفظ و احیای معنویات و اخلاق اسلامی و نفی مادیگرایی و تفکر اومانیزستی، پایبندی به شعائر فردی و اجتماعی دین اسلام و اعتقاد به خدا و روز جزا را مورد چالش قرار داده است.

5- ترویج الگوی زندگی غیر اسلامی و در معرض تهدید قرار گرفتن بنیان خانواده در جهان اسلام: اسلام بر تشکیل خانواده و ارضای غرایز در چارچوب آن تأکید بسیار داشته و در این راستا، توجه زیادی بر قانونمند شدن روابط زن و مرد در چارچوب ارزشهای اسلامی دارد. اما تفکر لیبرال دموکراسی غرب، اندیشههای غیر از این را مورد تأکید قرار داده و در جهت مخالف آن عمل میکند. امروزه فضای سایبر، فضایی را فراهم آورده که ارزشهای مد نظر اسلام در مورد خانواده و روابط زن و مرد را زیر سوال می‌برد. یکی از بارزترین این موارد در کنار منابع مکتوبی که تبلیغ میشود فعالیت در اتاقهای گفتگو یا به عبارتی چت رومها است که امروزه موجبات آشنایی و برقراری روابط نامشروع دختران و پسران جوان و یا حتی مردان و زنان متاهل در جهان اسلام را فراهم آورده که در موارد متعددی وقوع جرم و جنایات و از هم پاشیدگی بنیان خانوادهها را در پی داشته است. در این چارچوب شاخصهایی همچون حفظ کیان خانواده و پایبندی به روابط شرعی میان زن و مرد در جهان اسلام مورد چالش واقع شده است.

راهکارهایی برای استفاده از فرصتها و جلوگیری از چالشها

با توجه به چالش‌های ذکر شده، خطرناکترین وظیفه مسلمانان در قبال روند جهانی‌شدن، مقابله با

مفروضات و مبانی فرهنگ غرب است، نه نفی دستاوردهای علمی غرب. به قول یکی از نویسندگان: «امروز مسلمانان بیش از هر زمان دیگری نیاز دارند که از پیشرفت‌های علمی دنیا و فرهنگ و تمدن جهانی آگاه باشند و نکته‌های مثبت آن را کسب کنند. ولی در این زمینه، نباید مرعوب غرب شوند و از توانایی‌ها و قابلیت‌های دین اسلام غفلت ورزند» (نکوئی سامانی، 1376: 255). هر روز که می‌گذرد، مظاهر فرهنگ غرب در برابر فرهنگ اسلامی، که مبتنی بر تکامل معنوی و تعالی روحی است، نفوذ خود را از دست می‌دهد. اگرچه غرب با پیشرفت‌های صنعتی و پژوهش‌های علمی خود، همچنان جاذبه خود را در بین همه ملت‌ها دارد، ولی با این همه، این جاذبه از دل‌بستگی مسلمانان به معنویت اسلام و ایمان به خدا، نکاسته و امت اسلامی را به تقویت بنیان‌های تمدن اسلامی و الهام از تجربه‌های تاریخی صدر اسلام دل‌گرم ساخته است. مسلمانان این واقعیت را پذیرفته‌اند که در شرایط جهان امروز، اسلام در صورتی می‌تواند نقش راستین خود را ایفا کند که ملت‌های مسلمان به موازات ایمان مذهبی و ارزش‌های اخلاقی، به ابزارهای صنعتی و علمی مجهز باشند. چرا که همان‌طور که بوازار اشاره دارد: «اسلام قادر است در قلوب پیروان خود آنچنان هیجانی برپا کند که قاطعانه با موانع و مشکلات، به نیروی ایمان و اتحاد، پیکار جویند. نقش ایمان تنها به خودسازی فرد مسلمان خاتمه نمی‌یابد و از نظرگاه اجتماعی، در جهان امروز، می‌توان دیانت اسلام را در هیأت ایدئولوژی فراگیر با دو ویژگی تساهل و بلندپروازی به جهان‌یان معرفی کرد» (بوازار، 1361: 125).

مسلمانان و اندیشمندان و متفکران جهان اسلام باید از جنبه نظری، به بازتعریف و تحلیل خاستگاه و زمینه‌های تاریخی پیدایش تمدن غرب و جهانی شدن و عواقب و پیامدهای آن بپردازند و از جنبه عملی و کاربردی نیز با استفاده از ابزارهای فناورانه رسانه‌ای، مانند ماهواره و اینترنت و انواع وسایل جدید ارتباطی، این امکانات را به عنوان یک فرصت و فضای مناسب برای نشر عقاید و ارزش‌های اسلامی خود تلقی کنند و در فرایند تحولات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در هر نقطه‌ای از جهان نقش خود را ایفا نمایند. به قول ماهاتیر محمد نخست وزیر سابق مالزی «مسلمانان باید با کوششی هماهنگ، بر فرایند جهانی شدن تأثیر بگذارند و آن را قانونمند سازند». رسالت دیگر اندیشمندان مسلمان در شرایط کنونی، یافتن راه‌حلی برای بحران‌های فکری و معنوی جهان حاضر و کوشش در جهت تسخیر روح معنویت و فکر تمدن غرب است و از این نظر، توجه به بنیادها و مبانی فلسفی و سیاسی و اقتصادی تمدن غرب و بحران‌های اجتماعی و فرهنگی و دینی عمیق عصر حاضر، که منجر به بروز و ظهور مکاتب الحادی و لابیگری و صدها مکتب پوچ و سرگرم‌کننده و خالهای فکری و اعتقادی در غرب شده، حایز اهمیت است. بدین‌روی، اندیشمندان اسلامی باید بکوشند برای نیازهای عقلانی، فطری، معنوی بشر امروز پاسخ اقناع‌کننده‌ای ارائه نمایند و این خود، امتیازی بزرگ برای اسلام و اندیشمندان اسلامی در جهان امروز است. همچنین از راهکارهای مهمی که می‌توان با استفاده از رسانه‌ها به شناساندن ظرفیت‌های جهان اسلام و

تلاش برای همگرایی در دنیا با استفاده از ارمان صلح خواهی اسلامی، را پیگیری نمود می توان به موارد زیر اشاره کرد:

بالا بردن سواد رسانه‌ای در جهان اسلام

سواد رسانه‌ای (Literacy Media) در یک تعریف بسیار کلی عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت که براساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و انواع تولیدات آن‌ها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد (شکرخواه، 1385: 27). سواد رسانه‌ای مهارت‌های لازم را برای برقراری ارتباطی متفکرانه و آگاهانه با رسانه‌ها می‌آموزد و در عین‌حال دیدگاهی تحلیلی و نقادانه نسبت به پیام‌های رسانه‌ای فراهم می‌کند (قاسمی، ۱۳۸۵: ۹۷).

در واقع سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها در جهان اسلام بیاموزد که از حالت انفعالی و مصرفی خارج شده و به معادله متقابل و فعالانه‌ای وارد شوند که در نهایت به نفع خود آنان باشد. به دیگر سخن، سواد رسانه‌ای کمک می‌کند تا از سفره رسانه‌ها به گونه‌ای هوشمندانه و مفید بهره‌مند شد. امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که خواه ناخواه در شرایط اشباع رسانه‌ای قرار دارد، فضای پیرامون ما سرشار از اطلاعات است و وقتی به عنوان مثال تلفن همراه یک نفر به صدا درمی‌آید این اطلاعات موجود در فضا است که پل ارتباط او با تماس گیرنده شده است، یا زمانی که یک مودم می‌تواند افراد را به جهان بی‌انتهای اینترنت بکشانند، نشانه‌ای دیگر است از همین شرایط حاکمیت اشباع رسانه‌ای بر جهان و یا حالا که میلیون‌ها روزنامه و مجله و کتاب و خبرگزاری و شبکه‌تلویزیونی، شبکه‌های اجتماعی، بر زمین و زمان می‌بارد همه نیاز دارند به اینکه در برابر چنین فضایی، چتری برسر بگیرند و یک رژیم مصرف اتخاذ کنند، همه نیاز دارند به اینکه در انتخاب‌هایشان بیشتر دقت کنند، درست مثل اینکه حالا مردم در مورد تغذیه خودشان عمل می‌کنند. چون مردم اکنون باسوادتر شده‌اند؛ مراقب هستند که در غذایی که مصرف می‌کنند چقدر کلسترول، ویتامین و یا مواد دیگر باید باشد، در فضای رسانه‌ای هم باید دانست چه مقدار باید در معرض رسانه‌های مختلف اعم از دیداری، شنیداری و نوشتاری بود و چه چیزهایی را از آن‌ها برداشت.

نگارندگان بر این عقیده اند که از آنجا که رسانه‌ها اعم از تلویزیون، ماهواره، رادیو، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، فیلم، ویدئو، روزنامه و مجله هر روز و بطور فزاینده اطلاعات، سرگرمی‌ها و آگهی‌های مختلفی را به ما عرضه می‌کنند و همگی نقش مهمی در شکل‌دهی و نفوذ به فرهنگ، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و اعتقادات ما ایفا می‌کنند. اگر مسلمانان سواد رسانه‌ای لازم را داشته باشند، توانایی

تحليل و آريابي رسانه ها را دارند و پيام هاي رسانه ها را بدرستي دريافت مي كنند.

ايجاد اتحاديه هاي بين المللي رسانه اي در جهت تحقق وحدت اسلامي

امروز يكي از مهم‌ترين ضعف‌هاي مسلمانان نداشتن وحدت در زمينه‌هاي فكري فرهنگي، سياسي و اقتصادي و نظامي است. وحدت اسلامي و خوداتكايي مسلمانان و كاهش وابستگي به قدرت‌هاي بيگانه در ابعاد سياسي، فرهنگي و اقتصادي و حمايت از حقوق ملت‌هاي مسلمان در صحنه‌هاي بين‌المللي يكي از وظيفه مهم ملت‌ها و دولت‌هاي اسلامي است. جهان اسلام ضمن مرزبندي هويت خود با فرهنگ و تمدن بيگانه، بايد درصدد ساختن هويتي يكدست و منسجم براي پيروان اين مكتب در قالب «امت» واحد باشد؛ زيرا يكي از عوامل مهم عزت و اقتدار مسلمانان توجه به همين اصل استراتژيك است. استعمارگران با تقسيم كشورهاي اسلامي به دولت‌هاي كوچك، پاره پاره كردن مرزهاي جغرافيايي جوامع اسلامي و ايجاد انواع مرزبندي‌هاي سياسي و فرهنگي، امت اسلامي را دچار تشتت و تفرقه‌هاي داخلي نموده‌اند. (نكوبي ساماني، 1387).

از آنجا كه در عصر حاضر جهاني شدن رسانه فرايندي است كه هر روز بر قدرت آن افزوده مي شود و به قولي تقديري است كه خواه ناخواه برسراسر جهان سايه افكنده است و خواسته يا ناخواسته، جهان اسلام و ساير جوامع در معرض پديده جهاني شدن قرار گرفته اند و نمي توانند فارغ از تاثيرات آن باشند. لذا در چنين شرايطي در برخورد منطقي با اين واقعيت، مي توان از فرصتهايي كه فضاي ساير در اختيار قرار مي دهد استفاده کرده و با راه اندازي اتحاديه هاي رسانه هاي مختلف مانند اتحاديه راديو تلويزيون هاي اسلامي، اتحاديه مطبوعات جهان اسلام و ... با موضوعات و مباحث متنوع، به ترويج آيين هاي مناسب و مورد پذيرش جامعه اسلامي در مقابل با چالش ها جهان اسلامي و همچنين در رشد معنويت و ايجاد همبستگي و وحدت بين جوامع اسلامي و دفاع از مسلمانان درسراسرجهان كمك كرد.

مسلمانان اين واقعيت را پذيرفته‌اند كه در شرايط جهان‌امروز، اسلام در صورتي مي‌تواند نقش راستين خود را ايفا كند كه ملت‌هاي مسلمان به موازات ايمان مذهبي و ارزش‌هاي اخلاقي،

به‌ابزارهاي صنعتي و علمي از جمله رسانه هاي قوي مجهزباشند. همچنين از آنجا كه سازمان هاي بين المللي از جمله سازمان ملل متحد و ديگر بخشها و سازمان هاي وابسته به آن از قبيل: شوراي امنيت، شوراي اقتصادي- اجتماعي و آژانس هاي تخصصي وابسته به آن از همان آغاز شكل گيري، به دور از تاثير جهان اسلام بوده و از جانب غرب و صهيونيسم تسخير شده اند تا عليه مصالح دنياي اسلام و مسلمانان بكار گرفته شوند (فتحي يكن، رامز طنبور، 1387: 114). بدين ترتيب تاسيس اتحاديه هاي بين المللي رسانه اي جهان اسلام منجر خواهد شد كه همكاري و هماهنگي ميان رسانه هاي جهان اسلام از جمله تلويزيون

و مطبوعات و... در ابعاد فرهنگی، دینی و سیاسی براساس پایبندی کامل به منافع امت اسلامی افزایش یا بدو جهان اسلام قادر است به مقابله با راهبرد اسلام هراسی رسانه های غرب و صهیونیسم برخیزد و به تقریب مذهبی و تحقق وحدت مسلمانان کمک کند و با برقراری ارتباط میان نخبگان و اندیشمندان اسلامی، اسلام ناب محمدی را به جهانیان معرفی کند و تصویر زیبا اسلام را بجای چهره خشن و ترسناکی که از طرف رسانه های دشمن اسلام معرفی می شود، تبلیغ کرد.

همگرایی رسانه ای بین کشورهای اسلامی

در عصر امروز جهانی شدن رسانه در حال گسترش در تمام کشورهای جهان می باشد و راه نجات از غرق شدن در امواج سهمگین آن شنا در جهت مخالف آن و یا واگذار کردن خود در دست تقدیر نیست بلکه ساختن کشتی مستحکمی است تا توانست به راحتی از این امواج بهره گرفته و به سمت پیشرفت و ساحل ارتقا حرکت کرد (میلسون، 1381: 14). امروزه جهان اسلام و به ویژه کشورهای سوریه، عراق، عمان، لبنان، افغانستان و... با چالش های فراوانی در زمینه بنیادگرایی، خشونت، تروریسم، تجاوز نظامی، اشغالگری و کشتار بی رحمانه کودکان، زنان و مردان بی گناه روبرو است و اکثر این جنایات به نام اسلام و مخدوش کردن چهره اسلام در رسانه های جهانی بازتاب داده می شود. همچنین آرائی تصویر موحش از مسلمانان، منتسب ساختن تمامی حوادث سوء، انفجارها، ترورها و بحران های اقتصادی مسلمانان در دستور کار رسانه های غربی است. ساخت فیلم هایی شبیه فتنه، چاپ کاریکاتور و امثال اینها، تنها یکی از هزاران نمونه هستند (شیرودی، کاظمی، 1390: 154-155).

امر مبرهنی است که رسانه های غربی با استفاده از منابع مالی قابل ملاحظه و شبکه های متنوع در تلاش اند که تصویری نامناسب از اسلام به افکار عمومی ارائه دهند. در همین حال، هرچند مسلمانان تلاش می کنند که این تصویر نادرست را تصحیح کنند و به نوعی با این تصویر مقابله کنند، با توجه به سلطه جهانی رسانه های غربی، عموماً تلاش های آن ها بی فایده (و یا کم فایده) بوده است. غرب براساس تجربه های جنگ های جهانی و دوران جنگ سرد، دارای توان بسیار حرفه ای در راه تبلیغات و انتقال پیام های مورد نظرش شده است و این چیزی است که مسلمانان از آن بی بهره اند (درخشه، 1389). در همین راستا ضرورت دارد کشورهای اسلامی و سازمان ها و نهادهایی مانند سازمان کنفرانس اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، اتحادیه رادیو تلویزیون های اسلامی، اتحادیه مطبوعات جهان اسلام و دیگر نهادها و اتحادیه ها بصورت جدی، فعال و منسجم با ایده های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در راستای اصل انسجام اسلامی با تولید برنامه های قوی در مقابله با هجمه رسانه های غربی بپردازند و دین رحمانی و صلح طلب اسلام را معرفی کنند. همچنین با همفکری اندیشمندان، روشنفکران، علما و سیاسیون جهان اسلام،

شبکه های جهانی رسانه ای اسلام با دیدگاه تقریبی و وحدت جهان اسلام تاسیس شود و عرصه های مختلف رسانه ای (روزنامه، ماهواره، خبرگزاری، فیلم، شبکه های اجتماعی و...) برای نخبگان جهان اسلام با دیدگاه تقریبی فراهم شود که بتوانند گفتمان مشترکی در راستای تحقق وحدت اسلامی ایجاد کنند. با ایجاد شبکه های جهانی رسانه ای اسلام می توان تمامی تولید محتوا تقریبی و وحدتی که در جهان اسلام تولید می شود در جهت همگرایی مسلمان استفاده کرد و ارسال آن محتوا به دنیای شرق و غرب برای ارائه تصویر صحیح از چهره اسلام تاثیر گذار خواهد بود. در واقع امروزه جهان اسلام با تصویری که از آن در افکار عمومی جهان شکل گرفته است نیازمند و تشنه رسانه های با محتوا صلح و همگرایی اسلامی می باشد.

جمع بندی

با توجه به این که امروزه فرایند جهانی شدن اجتناب ناپذیر است لذا تلاش برای در امان ماندن از تهدیدهای آن و استفاده از فرصت هایی که در این فرایند ایجاد می شود مهم می باشد. از طرفی دیگر با رشد رسانه ها و توسعه روزافزون شبکه های ارتباطی این فرصت فراهم شده است که فرهنگ ها و هویت های مختلف بتوانند بیش از پیش به ارائه نظرات و قابلیت های خود بپردازند و در دنیا دیده شوند هر چند به همان اندازه هم در معرض هجوم قرار دارند.

در این میان فرهنگ اسلامی نیز می تواند با استفاده از این فرصت ایجاد شده و با تدبیری مناسب ضمن تاکید بر تقریب و همگرایی در داخل جهان اسلام و با رویکردی اتحادطلبانه و با استفاده از رسانه هایی اسلامی به احقاق حقانیت دین اسلام بپردازد و از ارائه چهره ای خشن و نامطلوب از دین اسلام جلوگیری نماید. با ایجاد شبکه ای رسانه ای قدرتمند و با رویکردی تقریبی در دنیای اسلام می توان از فرصت بی بدیل جهانی شدن بهره گرفت و ضمن شناساندن آرمان ها و رساندن پیام های دین اسلام به دیگران از هجمه ها و تهدیدهای علیه اسلام جلوگیری کرد و نگاه رأفت آمیز اسلامی را حاکم نموده و اجازه نداد مسائلی مثل تروریسم و تروریست ها خود را نماینده اسلام ناب جا زنند.

احمدی پور، زهرا و ابوالفضل کاوندی کاتب و میثم میرزایی تبار (1389)؛ چالشهای جهان اسلام در عرصه جهانی شدن، در مجموعه مقالات چهارمین کنگره بینالمللی جغرافیدانان جهان اسلام، 25 تا 27 فروردین، زاهدان.

افروغ، عماد و دیگران، (1388)؛ «جهانی شدن و جهان اسلام»، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران.

برگر، پیتر و ساموئل هانتینگتون (1384)؛ چند جهانی شدن: گوناگونی فرهنگی در جهان کنونی، ترجمه علی کمالی و لادن کیا نمهر، تهران: انتشارات روزنه.

بوازار، مارسلا (1361)؛ اسلام در جهان امروز، ترجمه مسعود محمدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

پورناجی، بنفشه (1387)؛ نگاهی به پدیده جهانی شدن رسانه ها: مخاطبان دیگر یکسان نمی اندیشند، روزنامه اعتماد، شماره 1891.

تاملیسون، جان (1381)؛ جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.

جام جم آنلاین (1381)؛ نگاهی به تأثیرپذیری سیاست خارجی از رسانه هادر عصر جهانی شدن : رسانهها و سیاست در عصر جهانی شدن قابل دسترس در آدرس:

<http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100004213254>

حقیقت، سید صادق (1382)؛ «جهانی سازی و مسئولیت های فراملی» در جهانشمولی اسلام و جهانی سازی (مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی)، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

خلیلیان، سید خلیل (1362)؛ حقوق بین الملل اسلامی، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

درخشه، جلال(بي تا)؛ اسلام هراسي در رسانه هاي غربي، مجله رسانه، سال بيستم، شماره 3

درستي، احمد(1380)؛ «جهاني شدن و خاورميانه عربي»، مجله مصباح، شماره 37.

دهشيري، محمدرضا(1380)؛ «ايران و جهاني شدن: تهديد ها و فرصت ها»، مجله مصباح، شماره 37.

رجايي، فرهنگ(1380)؛ پديده جهاني شدن: وضعيت بشري و تمدن اطلاعاتي، ترجمه عبدالحسين آذرنگ، تهران، آگاه

شكرخواه، يونس(1385)، سواد رسانه اي؛ يك مقاله عقيدة اي، فصلنامه رسانه، سال هفدهم، شماره 4، شماره پياپي 68 زمستان.

شيرودي، مرتضي و سيد آصف كاظمي(1390)؛ «نقش رسانه هاي غرب در برابر گسترش اسلام در غرب»، مجله سخن تاريخ، پاييز، شماره 14.

عبدالحميد، محسن(1380)؛ جهاني شدن از منظر اسلامي، ترجمه شاکر لوثي، نگاه حوزه، شماره 34.

عبدالحميد علي، عادل(1379)؛ «جهان‌شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم»، مترجم قريشي، سيد اصغر، اطلاعات سياسي - اقتصادي، شماره 155 و 156.

فتحي يکن، رامز طنبور(1387)؛ جهاني شدن و آينده جهان اسلام، مترجم مولود مصطفائي، تهران، احسان

قاسمي، طهورث(۱۳۸۵)؛ سواد رسانه‌اي رويکرد جديد به نظارت، فصلنامه رسانه، سال هفدهم، شماره 4، شماره پياپي 68 زمستان.

قطب، محمد(1382)؛ مسلمانان و مسئله جهاني شدن، ترجمه زاهد ويسي، تهران، اميرکبير.

كاظمي، علي‌اصغر(1380)؛ جهاني شدن فرهنگ وسياست، تهران، قومس.

كياني، داود(1380)؛ «مقاله مقدمه‌اي بر جهاني شدن»، مجله اندیشه صادق، شماره 5.

کیلی ری و فیل مارفید (1380)؛ جهانی شدن و جهان سوم، ترجمه شیخ علیان و نورائی، تهران، وزارت امور خارجه.

لطفی، حیدر و آزاده محمدزاده (1389)؛ «فرآیند جهانی شدن و بررسی این پدیده در کشورهای جهان اسلام»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بینالمللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان 25-27.

نش، کریم (1380)؛ جامعه شناسی سیاسی معاصر جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دل فروز، با مقدمه حسین بشیریه، تهران، انتشارات کویر، 1380.

نکویی سامانی، مهدی (1387)؛ اسلام و جهانی شدن، شماره 133.

نیاکوئی، امیر (1386)؛ جهانی شدن و توسعه با نگاهی به ایران (گذار بر جهانی شدن و اقتصاد سیاسی ایران)، تهران: کتاب دانشجو، چاپ اول.

تافلر، الوین و دیگران (1377)؛ به سوی تمدن جدید، ترجمه محمدرضا جعفری، تهران: نشر سیمرغ چاپ سوم.

ها برماس، یورگن (1380)؛ جهانی شدن و آینده دموکراسی، مترجم کمال پولادی، تهران، مرکز.

منابع لاتین

Ardalan, Kavous. (2009); Globalization and Culture: four paradigmatic views: International Journal of Emeralds :Vol.36.No.5

Chaucil , Nasli: (2000); Cathouction: CylenPolitica in international Relation. International Political deieneeReviluVol21 , No , 3.

Giddens, Anthony (1990); the consequences of modernity, London, Polity Press.

Held , Danicl. (1999); GlolalTnanakarmation. Ztamland: ZtandandUnivencityPnead.

Kastelz.MManael (1990); Information systems and development in the third world.Information processing and management.Vol.26, No. 4.

[1] . دانش آموخته کارشناس ارشد علوم سیاسی

[2] . دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی